



## مصاحبه با:

## استاد سید علی اکبر بنی هاشمی

دروس سطح می برداختند و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی و میرزا جواد آقای تهرانی بیشتر بحثهای اعتقادی را مطرح می کردند، درس حاج شیخ هاشم را من درک نکردم، ولی توانستم در درس مکاسب شیخ کاظم و مقداری درس عقاید حاج شیخ مجتبی قزوینی شرکت کنم، و پس از وفات این دو بزرگوار، نیمی از سطح را در خدمت آیت الله وحید خراسانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ راهی قم شدم، در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و قسمتی از رسائل را نزد آقای حاج شیخ جعفر سبحانی - که به راستی انسان وارسته و ملایی است - آموختم، و قسمتهایی از مکاسب را از محضر آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی و بسیاری از بحثهای کفایه را در خدمت آیت الله سلطانی فراگرفتم و به این ترتیب سطح را به پایان رساندم. هنوز در قم

ابدال خان<sup>۱</sup> به آقای صدوق<sup>۲</sup> که از هم ولایتی های ما بود، سپرد. در مدرسه کتابهایی چون «نصاب الصبیان»، «صرف میر» و «جامع الفروع»<sup>۳</sup> را خواندم و آن گاه برای فراگیری «سیوطی»، «مغنی» و «حاشیه ملاً عبدالله» و «مطول» در درس مرحوم ادیب نیشابوری و حجت هاشمی خراسانی شرکت کردم. نزد حاج شیخ محمد استاد حاشیه را دوباره خواندم. «معالم» را از مرحوم «بجستانی» آموختم و به فراگیری «شرح لمعه» نزد حاج سید احمد مدرس مشغول شدم. وی استاد علم و عمل و زاهد وارسته بود و همراه درس با رفتار و عمل خود زهد و تقوا به طلاب می آموخت.

در آن زمان مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی از آیات بزرگ مشهد بودند و بیشتر به

آنچه در پی می آید، مصاحبه ای است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر بنی هاشمی، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۴ انجام داده است. استاد سید علی اکبر بنی هاشمی از جمله اساتیدی بود که با طلاب حوزه دمساز و همدل بود. بسیاری از اوقات خویش را صرف شنیدن مسائل و مشکلات طلاب می نمود و در حد امکان نیز گره ها را باز نموده و راه را می نمایاند. با آرزوی علو درجات برای این استاد از دست رفته و با سپاس از مرکز اسناد انقلاب اسلامی خراسان که متن مصاحبه با استاد را در اختیار نشریه گذاشتند. با هم متن مصاحبه را پی می گیریم:

● با سپاس از این که قبول زحمت کردید، از حضرت عالی تقاضا دارم خلاصه ای از زندگی نامه خود را بیان کنید و درباره تحصیلات و اساتیدی که داشته اید، مطالبی بفرمایید.

○ در سال ۱۳۲۱ ه.ش، در روستای گرماب تربت حیدریه متولد شدم و تا سال ۱۳۳۴ در همان جا بودم و به طور مختصر (خواندن و نوشتن) فارسی را پیش پدرم فرا گرفتم. در همین سال پدرم مرا به مشهد آورد و در مدرسه

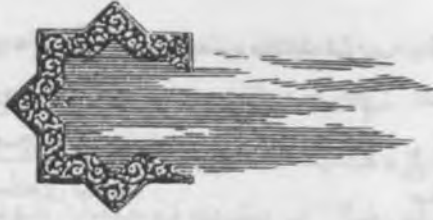
### ● اما نمی دانم چرا حوزه مشهد

نسبت به قم کمی مورد غفلت قرار گرفته است.

با آنکه طلبه های مشهد

از نظر اعتقاد به مبانی دین و انقلاب و رهبری، تهذیب،

تدین و تلاش درسی همتای دیگر حوزه هاست.



بودم که امام امت از زندان آزاد شدند، ساعت ۱۰ شب امام وارد قم شدند و تا ساعت یک کوچه حوض یخچال آکنده از جمعیت بود، همان نیمه شب علما به دیدار ایشان رفتند. چند صباحی نیز توفیق رفتن به درس فقه حضرت امام را یافتم. به مشهد برگشتم و مدت ۱۲ سال فقه را (از خلل صلاة تا آخر آن، صوم، زکات، خمس، و بیع مکاسب) در درس آیت الله میلانی شرکت کردم و از محضر آن بزرگوار استفاده بردم و قسمت عمده اصول را نزد آیت الله وحید خراسانی و نیز آیت الله ابراهیم علم الهدی و آیت الله شمس - این دو از شاگردان آیت الله میلانی بودند - به پایان رساندم و فلسفه را نیز در خدمت آیت الله انصاری شیرازی در قم فراگرفتم.

● دربارهٔ ویژگیهای اخلاقی سیداحمد مدرس اگر ممکن است مطالبی را بفرمایید.

○ اکثر علمایی که در خراسان بودند مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله خزعلی پیش ایشان درس خوانده‌اند. مرحوم سیداحمد مدرس از نظر زهد و تقوا شریعت مجسم بود، در دورهٔ تحصیل و تدریس به جداعالی قناعت بسنده می‌کرد. زمین دیمش را که در جنوب شهر مشهد بود، خود گندم می‌کاشت، و درو می‌کرد و با آن معیشت خود را می‌گذرانید. عظمتی فوق‌العاده داشت. در قم وقتی ایشان به دیدن حضرت امام آمدند، امام با اصرار از ایشان می‌خواست که بیشتر بماند. وی می‌گفت: طلبه‌ها منتظرند، باید برگردم.

امام می‌گفتند، همین‌جا بمانید و به ما درس بدهید. انسانی با این عظمت یک حافظی داشت - حافظی یعنی فردی که روزی یک ساعت در حرم سر قبری قرآن بخواند و ماهیانه پولی بابت این امر بستاند - هر روز صبح نخست سر قبر قرآن می‌خواند و آن‌گاه برای تدریس حاضر می‌شد و به این‌گونه روزگار می‌گذراند. به حرف او همه عمل می‌کردند. در ایام انقلاب (نهضت خرداد ۱۳۴۲) که علما اعلامیه می‌دادند و برای انقلاب و بسیج مردم جلسات تشکیل می‌شد، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، سیداحمد مدرس، حاج شیخ کاظم، آیت الله میلانی و ... شرکت می‌کردند، حرفی که قابل رد نبود گفتهٔ ایشان بود، اگر می‌گفت باید اعلامیه داده شود، همه می‌پذیرفتند و علمای بزرگ همه به مرحوم سیداحمد مدرس احترام می‌گذاشتند. لباس ایشان در نازلترین حد بود، کفشی مادون حد متعارف مردم می‌پوشید، و باین‌حال تا آخر عمر به‌خوبی از عهدهٔ تدریس بر می‌آمد.

در ایام بیماری‌اش، آقای دکتر نوراللهیان می‌گفت: هرچه به ایشان می‌گویم تدریس برای شما ضرر دارد، ایشان می‌گوید: اجازه بدهید طلبه‌ها اینجا بیایند و برای آنها درس بگویم. روزهای آخر عمر ایشان بود،

به‌همراه آیت‌الله مشکینی به دیدن آقای مدرس رفتیم. وی برخی از خدمات خود را به حوزه یادآور شد و می‌گفت: شاگردانم همه مجتهد شده‌اند، عمرم به آخر رسیده است، عاشق (شیفته) این آیه‌ام: «یا ایها النفس المطمئنة، ارجعی الی ربک راضیه مرضیه».

● مرحوم سید احمد مدرس چه درسهایی را می‌گفتند؟

○ ایشان به‌طور معمول دو جلد لمعه، قوانین و مکاسب محرمه را تدریس می‌کردند.

● دربارهٔ مرحوم شیخ کاظم دامغانی اگر مطلبی هست بفرمایید؟

○ مرحوم حاج شیخ کاظم از علمای معتمد حوزه و از مجتهدان مسلم بود. و از مرحوم آقازاده و مرحوم نائینی گواهی اجتهاد داشت. در مدرسهٔ باقریه مکاسب و خارج اصول تدریس می‌کرد. عظمت وی در حوزه چنان بود که برای هر کار مشکل، اصلاح و رفع منازعه، آقایان ایشان را تعیین می‌کردند و کارها به دست ایشان انجام می‌یافت.

● وضعیت معیشت و مسکن طلاب در آن زمان چگونه بود؟

○ زندگی غالب طلبه‌ها در آن زمان به‌وسیلهٔ پدر و مادرشان اداره می‌شد، تاساتنها طلاب به محل خود برمی‌گشتند و در کارهای کشاورزی پدر



آوردند. فشارهای زندگی در حوزه مشهد اثرات سوئی داشته است. درآمد طلبه‌ها کمتر از میزان کرایه خانه است، البته اقدامات نماینده محترم ولی فقیه حضرت حجّة الاسلام والمسلمین حاج آقای طبسی جای سپاسگزاری دارد، ایشان از ارائه هر نوع خدمت به حوزه دریغ نمی‌کنند، اما نمی‌دانم چرا حوزه مشهد نسبت به قم کمی مورد غفلت قرار گرفته است. با آنکه طلبه‌های مشهد از نظر اعتقاد به مبانی دین و انقلاب و رهبری، تهذیب، تدین و تلاش درسی همتای دیگر حوزه‌هاست.

حوزه مشهد هم‌اکنون از هر جهت زمینه پیشرفت دارد. مدرّسان عالی و طلاب مستعد در آن فراوانند. بجاست مدرّسان مجرد هم آیند و در خدمت سرپرست حوزه علمیه مشهد حاج آقای طبسی تصمیم‌گیری کنند و از علما به‌ویژه از رهبر انقلاب (که خود پرورش‌یافته حوزه مشهد هستند) خواهان ترمیم و رسیدگی بیشتر به حوزه مشهد شوند. به‌نظر می‌رسد مدرّسان مشهد در این زمینه مقداری سهل‌انگارند؛ «گر گدا کاهل بُود تقصیر صاحبخانه چیست؟»

● برای شکوفایی استعدادها در حوزه و جلوگیری از بی‌علاقگی و

با کمترین امکانات بالاترین پیشرفت‌ها را داشته‌اند، ارتباط نزدیک و گرم بین آنها و اساتیدشان بوده است، میان طلبه‌ها صفا و صمیمیت بوده است. ارزیابی شما در این باره چیست؟

○ پس از پیروزی انقلاب در سراسر ایران فضای بسیار خوبی برای همگان پدید آمد، مردم هرآنچه داشتند فدای دین و انقلاب می‌کردند و در ایام جنگ این ایثارها به اوج خود رسید. بعد از جنگ مردم و محضلان به زندگی رو

### ● از ویژگیهای آقای

میلانی دوست داشتن طلبه‌ها بود. به طلبه عشق می‌ورزید، و اگر می‌دید فردی خوب درس می‌خواند، شادمان می‌گشت. برای رفتن به قم از ایشان دعوت شده بود، اما ایشان ماندن در مشهد را انتخاب کردند و به یکی از اساتید فرموده بودند: عظمت امام (ع) تنها به طلا نیست، حوزه مشهد باید تقویت گردد و مایه جلال و شکوه حضرت شود. من خود شاهد بودم که به دو طلبه که مریض شده بودند، دستور دادند برای معالجه به تهران بروند و تمام هزینه‌های آنها را تقبل کردند.

و مادر خود را یاری می‌رسانند، نان، روغن و گوشت موردنیاز خود را از محلشان می‌آوردند و زندگی بسیار ساده‌ای داشتند.

مرحوم حاج سید یونس اردبیلی ماهی ۵ تومان شهریه می‌داد و بعضی از مدرسه‌ها مانند مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب درآمدی از ناحیه موقوفات خود داشتند و به طلبه‌های آنجا می‌دادند. در این اواخر مرحوم آیت‌الله بروجرودی به طلبه‌های مجرد ۱۵ تومان و به طلبه‌های معتل ۲۰ تومان شهریه می‌پرداخت.

در هر حال زمانی که من وارد حوزه شدم، غربت روحانیت بعد از پهلوی بسر آمده بود، حوزه رونق یافته بود، طلبه‌ها با آن که کم بودند، با جدیت درس می‌خواندند، و کیفیت اطلاعات علمی آنان در سطح عالی بود و از این گذشته متدین و متعهد بودند.

● نام بعضی از دوستان دوران طلبگی خود را اگر صلاح می‌دانید، بگویید.

○ آقای حاج سید مهدی عبادی - امام‌جمعه محترم مشهد - آقایان: کرباسی، رضازاده، عباسپور، فردوسی‌پور و عبدخدایی، همه دارای سطح درک بالا و از طلبه‌های برازنده و متدین بودند و من بیشتر با اینان حشرونشر داشتم و به‌لحاظ انتخاب طلبگی و درسهای حوزوی از دروس دانشگاهی دوری می‌گزیدم.

● از مقایسه زمان کنونی با گذشته می‌توان دریافت که در آن زمان طلبه‌ها



● آرزو این است که حوزه علمیه مشهد تقویت گردد،

خواست ما از مقام معظم رهبری

این است که در راستای رونق بیشتر حوزه مشهد دستورات لازم را بدهند

به گونه‌ای که جلال و شکوه امام رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد دوچندان شود.

گرفته شود، و مراجعه به استدلالهای فلسفی شیوه نادرست است، چه فلاسفه باهم اختلاف دارند و رأی آنها نمی‌تواند میزان قرار گیرد. از راه برهانهای فلسفی حقایق عالم روشن نمی‌شود. در برهه‌ای از زمان فلاسفه افلاک را پوست‌پیزی و ستارگان را میخچهایی در آسمان می‌دانستند و بعد در فلسفه مادی این گفته‌ها ابطال گردید.

این سؤال را که اول ماصدر از پروردگار چه بوده است، فلسفه نمی‌تواند پاسخ دهد.

عقاید همچون احکام باید از ائمه و قرآن گرفته شود و گفته‌های فلاسفه تا آنجا که با کلام مفسران وحی و قرآن سازگاری دارد، قابل پذیرش است. درهرحال حاج شیخ با علم فلسفه و خواندن آن مخالف نبود.



نظرتان می‌آید بیان کنید.

○ ایشان فلسفه را خوانده بود و به آن تسلط داشت، ولی معتقد بود که عقاید دین باید از سرچشمه وحی گرفته شود. پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه<sup>(ع)</sup> مفسران قرآنند، باید به کلمات آنها مراجعه شود و بین دین و فلسفه تفکیک به عمل آید.

باید دانست که مرحوم حاج شیخ مجتبی نمونه بارز زهد و تقوا بود، تربیت اخلاقی و اعتقادی ایشان برای طلاب تأثیر بسزا داشت. اکثر علمای امروز مشهد، مقام معظم رهبری و آقای طبسی از بحثهای اعتقادی و اخلاقی ایشان استفاده کرده‌اند و بحثهای کنونی اخلاقی و اعتقادی حوزه مشهد ثمره درسهای آن مرحوم است.

● مرحوم حاج شیخ مجتبی برای عقل چه جایگاهی قائل بود؟

○ ایشان عقل را قبول داشت. زیرا اثبات خدا، توحید، لزوم بعثت پیامبران، جسم‌نبودن خدا، عدل، معاد و این که خدا همه صفات پسندیده را داراست و از همه ناشایستها به دور است با عقل و برهان عقلی اثبات می‌شود. منتها به نظر مرحوم حاج شیخ مجتبی پس از اثبات خدا و این که قرآن و پیامبر از جانب خداست و عالم به قرآن پیامبر و ائمه‌اند، خصوصیات دین باید از پیامبر و ائمه<sup>(ع)</sup>

دلسردی طلبه‌ها و نپرداختن آنها به کارهای حاشیه‌ای آسیب‌زا به تحصیل چه پیشنهادی دارید؟

○ همواره امید این بوده که در حوزه استعدادها سازماندهی شوند، و آنان که خواهان دستیابی به مراحل عالی درسی‌اند گزینش گردند، نیازهای معیشتی آنها تأمین شود و همه توانشان صرف تحقیق و مطالعه گردد. از نظر مدرّس در حوزه کمبودی وجود ندارد، به راحتی می‌توان مدرّسانی را یافت که بر فقه، اصول، تفسیر، عقاید، فلسفه و عرفان مسلطند.

امتحان هرساله طلبه‌ها که به امر مقام معظم رهبری و اجرای نماینده ایشان صورت می‌گیرد، فرصت مغتنمی است. از میان ممتازان هرساله می‌توان تعدادی را گزینش کرد و انجام کار و برنامه خاصی را از آنان خواست. به این ترتیب هر ده سال، حوزه می‌تواند ۲۰ تا ۳۰ مجتهد به جامعه ارزانی دارد. حتی برای کارهای اجرایی بجاست افراد پس از اتمام سطح بالاتری از تحصیل جذب شوند. این امر بر کارایی آنها می‌افزاید.

● درباره حاج شیخ مجتبی قزوینی و نظر ایشان نسبت به فلسفه و عرفان و دوری از بحثهای فلسفی در تفسیر قرآن و اعتماد به روایات، اگر مطلبی به



● نظر شما درباره تدریس مسائل اعتقادی و تفسیر در حوزه مشهد چیست؟

○ در حوزه‌های علمیه پرداختن به مسائل اعتقادی از قدیم اصل بوده است، در مشهد این امر پیش از دوران حاج شیخ مجتبی مرسوم بوده است و در زمان ایشان اهمیت خاص یافت. هم‌اکنون نیز اساتید حوزه مشهد پایه‌های علمی و عملی قوی در این زمینه دارند، و از این درسها به‌عنوان درس اصلی امتحان گرفته می‌شود. اما جای آن دارد که چند نفر به درسهای فقه و اصول کمتر بپردازند و عهده‌دار درسهای تفسیر و عقاید و اخلاق گردند. بسی جای تأسف است که عده‌ای به این درسها اهمیت لازم را نمی‌دهند، و تنها برای امتحان مورد توجه قرار می‌گیرند.

● حضرت عالی مدّت زیادی از محضر آیت‌الله میلانی استفاده کرده‌اید، درباره ویژگیهای اخلاقی و مبنای تدریس و اقدامات ایشان در حوزه مشهد مطالبی را بیان کنید.

○ مرحوم آقای میلانی از نظر علمی و عملی خود ساخته بودند و از نظر انقلابی نیز انسان نمونه بودند. در همان مراحل نخست از نهضت امام پشیمانان کردند، زمانی که امام را گرفته بودند و به تهران بردند، آقای میلانی از مشهد به تهران هجرت کردند و علمای قم را به تهران فرا خواندند، این حرکت به‌سوی تهران در عبدالعظیم به‌عنوان حمایت از امام انجام گرفت و شاه مجبور گردید نسبت به حضرت امام عقب‌نشینی کند.

از ویژگیهای آقای میلانی دوست‌داشتن طلبه‌ها بود. به طلبه عشق می‌ورزید، و اگر می‌دید فردی خوب درس می‌خواند، شادمان می‌گشت. برای رفتن به قم از ایشان دعوت شده بود، اما ایشان مانند در مشهد را انتخاب کردند و به یکی از اساتید فرموده بودند: عظمت امام(ع) تنها به طلا نیست، حوزه مشهد باید تقویت گردد و مایه جلال و شکوه حضرت شود. من خود شاهد بودم که به دو طلبه که مریض شده بودند، دستور دادند برای معالجه به تهران بروند و تمام هزینه‌های آنها را تقبل کردند.

از هنگامی که آقای میلانی به مشهد آمدند درسها رونق ویژه‌ای یافت، در برهه‌های ایشان توانستند مدرسه‌ای بسازند و برنامه‌هایی را در آن اجرا کنند و عالمان فاضلی را به جامعه تحویل دهند. هم‌اکنون دسته‌ای از آن فضلا در پستهای مهم اجرایی کشور، در دستگاه قضایی و در کرسی تدریس به خدمت مشغولند که همه از نتایج زحمات آن مرحوم است.

مرحوم میلانی درس سه تن از استوانه‌های حوزه نجف را (مرحوم آقاضیاء نائینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی) درک کرده بودند. بیشتر به مبنای حاج شیخ محمدحسین گرایش داشتند، و به مبنای آن دو بزرگوار دیگر تعرض داشتند. شیفتگی ایشان به حاج شیخ به‌قدری بود که ایشان راضی نشد جزوهای را که به خط مرحوم حاج شیخ در بحث مشفق بود، من در

بیرون از خانه ایشان استنساخ کنم. می‌فرمودند: تنها همین یک نسخه را دارم، می‌ترسم تلف شود، همین‌جا بنویس.

مرحوم میلانی در اصول مبنای خاص خود را داشت، ولی به‌طور معمول گاه مبنای نائینی و بیشتر مبنای حاج شیخ محمدحسین را تحکیم می‌کرد و گاه هر دو را مورد تعرض قرار می‌داد. اما آن‌گاه که حرف استاد را نمی‌پذیرفت، تقریب خاصی به‌کار می‌برد و سعی داشت به‌تجوی همان مینا را اصلاح کند. نخست گفته استاد را با عظمت نقل می‌کرد و به دفاع از آن برمی‌خواست، و در هنگام تعرض و جواب می‌گفت: اگر استاد حاضر بود جرأت حرف‌زدن نبود، زیرا ما اگر چیزی آموخته‌ایم، از آنان فرا گرفته‌ایم و یافته‌های خود را به آنان باز می‌گوییم. و غالباً در عدم پذیرش کلام استاد تعبیر به زد نمی‌کرد، می‌فرمود: اینجا را ما نمی‌فهمیم، و به این‌گونه عظمت استاد را حفظ می‌کرد و ما از ایشان بزرگداشت استاد را در عمل آموختیم.

حضور آقای میلانی در مشهد یک تحول علمی در این حوزه به‌وجود آورد، زیرا در آن زمان کسی که بتواند مطالب نائینی و حاج شیخ را به‌خوبی بیان کند، در مشهد نبود، ورود ایشان به مشهد به‌معنای حضور حوزه نجف در مشهد به‌حساب می‌آمد. چه دقیق‌ترین فرد نجف در این زمینه مرحوم میلانی بود.



● وقتی اقدامات ضد رژیم به اوج خود رسید و پیروزی انقلاب نزدیک شد، مقام معظم رهبری کارها را برعهده داشت. تنظیم کارها با راهنمایی ایشان صورت می‌گرفت، در شکل دهی به اعتصابات نقش اساسی داشتند، و حضور ایشان در صف اول مبارزه مشهود بود.

اعتصابات نقش اساسی داشتند، و حضور ایشان در صف اول مبارزه مشهود بود. در این اواخر جلسه‌ای در مسجد بناها تشکیل می‌شد که فرد اول آن مقام معظم رهبری بود و در اعلامیه‌ها سهم داشتند، ایشان با پاریس در ارتباط مستقیم بودند، از امام الهام می‌گرفتند و به اجرای خواسته‌های امام می‌پرداختند. پیش‌تاز در همه امور ایشان بود، آقای هاشمی‌نژاد و آقای طبسی هماهنگ با وی کار می‌کردند.

● از شما متشکریم که دعوت ما را پذیرفتید، در پایان اگر سفارشی دارید بفرمایید.

○ مؤید باشید، آرزو این است که حوزه علمیه مشهد تقویت گردد، خواست ما از مقام معظم رهبری این است که در راستای رونق بیشتر حوزه مشهد دستورات لازم را بدهند به گونه‌ای که جلال و شکوه امام رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد دوچندان شود.

خداوند اسلام و مسلمین را حفظ کند و این انقلاب را به انقلاب حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> متصل سازد و وجود مقدس و کیمیای مقام معظم رهبری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را برای هدایت مردم و حمایت از مستضعفان جهان پایدار بدارد و حفظ کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نام مدرسه‌ای در کنار آرامگاه پیر پالان‌دوز، که اکنون خراب گردیده است.
۲. آقای صدوق هم‌اکنون (سال انجام مصاحبه) زنده است و صدواندی سال عمر دارد، و فود محترمی است.
۳. نام رساله آیت‌الله بروجردی (ره).

سخنرانان سه نفر بیش از دیگران تلاش داشتند. رهبر معظم انقلاب، آقای هاشمی‌نژاد و آقای طبسی از کسانی بودند که زندان را به جان خریدند، سخنان آنها حرارت خاص داشت و نسبت به دیگران پیش‌قدم بودند. علمای مشهد با هماهنگی عمل می‌کردند، مرحوم میلانی، حاج شیخ کاظم، حاج شیخ مجتبی، حاج آقای مدرّس، هماهنگ با هم درس را تعطیل می‌کردند، اعلامیه می‌دادند و بازار را به تعطیلی و اعتصاب فرا می‌خواندند.

یادم می‌آید وقتی امام امت از تهران به قم برگشتند، مرحوم حاج شیخ مجتبی، حاج آقای مدرّس به دیدنشان رفتند، آقای طبسی آنجا (چلو امام) سخنرانی می‌کرد. بنابراین می‌توان گفت حوزه مشهد و علمای دینی آن نسبت به انقلاب و حمایت از امام سهم بزرگی دارند.

● در اوج تظاهرات و راهپیمایی‌ها

در مشهد چه خاطره‌ای دارید؟

○ وقتی اقدامات ضد رژیم به اوج خود رسید و پیروزی انقلاب نزدیک شد، مقام معظم رهبری کارها را برعهده داشت. تنظیم کارها با راهنمایی ایشان صورت می‌گرفت، در شکل دهی به

از خدمات مرحوم میلانی، یکی این بود که سالیانی شبهای جمعه ماشین اجاره می‌کرد و طلاب را گروه‌گروه به نواحی مختلف مشهد که گاه به بیش از ۱۰۰ کیلومتر دورتر می‌رسید، می‌فرستاد، من خود مسؤول یکی از این گروه‌ها بودم، تا ۱۲۰ کیلومتر از مشهد دور می‌شدیم، و حدود ۳۰ روستا از دهات جلگه رخ را پوشش می‌دادیم، طلبه‌ها منبر می‌رفتند، و ساعت ۱۰ شب دوباره آنان را باز می‌گردانیدیم. در سایر شهرهای ایران نیز ایشان در ایام محرم و صفر و ماه رمضان مبلغ می‌فرستاد. مرحوم آیت‌الله دکتر بهشتی را که در هامبورگ آلمان بود، تقویت می‌کرد و به مدرسه حقانی که آقای قدوسی و دکتر بهشتی تأسیس کرده بودند، مدد می‌رساند و وجود ایشان وجودی سراسر خیر و برکت بود، خداوند ایشان را رحمت کند و پاداش اخروی شایسته دهد.

● روحانیت مشهد در مبارزه علیه

رژیم ستمشاهی چگونه بود، و چه

کسانی در این زمینه پیشگام بودند؟

○ از آغاز لویج ششگانه شاه مبارزه با وی شدت گرفت. علمای بزرگ اعلامیه می‌دادند و دیگران به سخنرانی در این باره می‌پرداختند. در میان